

اسلام و سرمایه‌داری (۲)

ره‌آوردهای اجتماعی نظام "لیبرال - سرمایه‌داری"

دکتر محمد حکیم‌پور

۱- روابط سلطه‌جویانه

نخستین ره‌آورد دکترین لیبرال - سرمایه‌داری، تأثیری است که بر نوع روابط اجتماعی می‌گذرد و روابط برادرانه و همسان انسانی را به روابطی برتری طلبانه و خودکامه تبدیل می‌کند، از نوع روابطی که میان دو طبقه "اقلیت فرادست" و "اکثریت فرودست" وجود دارد. براساس تأثیرهای فکری، فرهنگی و اخلاقی که نظام سرمایه‌داری در انسانها می‌گذارد (برخی از آنها در بخش نخست مقاله مورد بررسی قرار گرفت) و روحیه طغیان و خودکامگی که بر مال اندوزان سایه می‌گسترده، پایگاه اصلی روابط اجتماعی را ویران می‌کند. یعنی باور انسانها و ایمان به ارزش و کرامت انسانی، یا کم‌رنگ می‌شود و یا بکلی رنگ می‌بازد. این ایمان با ملاکهای سرمایه‌داری، مفهومی نمی‌تواند داشته باشد. براساس همین تفکر و احساسها در جامعه سرمایه‌داری، روابطی غیر انسانی، حاکم است، روابطی صرفاً اقتصادی و براصل "سودآوری".

بیگمان سلامت جامعه، نخست در نوع روابط اجتماعی نهفته است. نوع روابط اگر براساس باور انسانها و



پذیرش ارزش واقعی همه مردم، استوار گردد و در چهارچوب قانون (به عنوان مدافع حقوق همگان) صورت گیرد، و بالاتر نیز صعود کند و بالاتر از قانون، حتی مبانی ارزشی و اخلاقی، معیار قرار گیرد، سلامت جامعه بطور بنیادی، تضمین شده است. اینگونه روابط، از هرگونه ستمبارگی میان افراد جلوگیری می‌کند، از تحمیل اندیشه و استبداد فکری مانع می‌گردد، ریشه هرگونه سلطه‌جویی و تعالی‌طلبی را می‌سوزاند، رابطه طبقاتی و براساس تبعیض‌های ناروا پدید نمی‌آید و اهرم‌های قدرت اقتصادی و سیاسی، به صورت ابرازی در دست ثروتمندان قرار نمی‌گیرد.

در نظام‌های سرمایه‌داری، سرمایه‌داران به اهرم اصلی قدرت یعنی سرمایه، مجهز می‌شوند و به هیچیک از معیارهای محدودکننده قدرت، تن نمی‌دهند. نه قانون را می‌پذیرند (آنگاه که برخلاف منافع آنان باشد) و نه اخلاق انسانی را پذیرا هستند؛ زیرا که اخلاق انسانی والهی، با اخلاق سرمایه‌داری، تضاد ماهوی دارد. از اینرو ماهیت روابط راقدرتمنداری و سلطه‌جویی تشکیل می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که بالاترین و شوم‌ترین ره‌آورد اجتماعی سرمایه‌داری، طاغوتگری و بُعد

استکباری آنست. همین خوی و خصلتی که در همه خودکامان و حاکمان غیر الهی و مستبدان تاریخ وجود داشته و بشریت را به بردگی کشیده است. پیامد حتمی این نگرش، تقسیم جامعه به دو طبقه "سلطه‌طلب" و "تحت سلطه" و پیدایش جامعه طبقاتی با روابطی ظالمانه است.

ان الانسان لیطغى ان رآه استغى: (۱) خیر، آدمی طغیان می‌کند. همینکه خود را توانگر (و ثروتمند) بیند.

۱... قدرت، روش را در روابط عمومی و خصوصی و در طبیعت ارتباط کاری، تعیین می‌کند. ارتباطی که حرکت زندگی را به حرکت قدرتمندان، تفسیر می‌نماید و ضعیفان را جز پژواک بیچاره و ناچیزی نمی‌داند که همه چیز خود را از قدرتمندان الهام می‌گیرند، و جز با اراده‌ای پایمال و مقهور اراده طغیان حرکتی نمی‌کنند... و گاه کار تنها به اینجا تمام نمی‌شود که مستضعفان در برابر اراده قهار مستکبران، احساس ناچیزی و حقارت کنند، بلکه در اینجا باوری سرکش در ذهن قدرتمندان وجود دارد که می‌گوید: ضعیفان توان تعیین سرنوشت خویش، و انتخاب باورها (اصول پذیرفتنی)، و پویش در زندگی را خود بخود ندادند، و باید درباره امور مربوط به عقیده و زندگی و سرنوشت، اختیار خود را - درست - به دست آنان بدهند... (۲)





به‌خاطر این پیامدهای ضدِ الهی و نانسائی مال‌اندوزی است که در ادیان و بویژه در اسلام، با خصلتهای سرمایه‌دارانه مبارزه شده است؛ زیرا که این روحیهٔ تعالی طلبی و سلطه‌جویی، با ماهیت تفکر الهی اسلام ناسازگار است:

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون
علوًّا في الأرض و لا فساداً و العاقبة
للمتقين^(۳)

این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته‌ایم که در این جهان نه خودمان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.

و بی‌تردید این روحیه در رابطه با انسانها، از داشته‌های افراطی و قدرت اقتصادی ریشه گرفته است.

الَّذِي جَمَعَ مَالاً و عَدَدَهُ. يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ
اخْلَدَهُ^(۴)

آنکه مالی گرد آورد و به‌شمارش آن پرداخت، می‌پندارد که دارایی‌اش جاویدانش گرداند.

امام علی «ع»: «أما الاغنياء من مرفقة الاسم، فتعصبوا الآثار مواقع التعم، فقالوا: نحن اكبره اموالاً و اولاداً...»^(۵)

توانگران شادخوار هر امت (و جامعه)، نسبت به‌موقعیت خود در برخورداری از نعمتهای

الهی، تعصب ورزیدند (و آن را از خویشتن دانستند و بس مهم شمردند)، و گفتند: «ما اموال و فرزندان بیشتری داریم، و ما عذاب نخواهیم شد.»

حتی رویارویی سرمایه‌داران با آیینهای الهی و با هر اندیشه و هدایتی، برای همین حس خودبرتر بینی است:

و ما ارسلنا قریة من نذیر الا قال مترفوها:
انما ہا ارسلتم بہ کافرون و قالوا: نحن اكبره اموالاً
و اولاداً، و ما نحن بمعذبین^(۶)

در هیچ شهری بیم دهنده‌ای (پیامبری) را به‌رسالت نفرستادیم مگر اینکه شادخواران آن گفتند: ما به‌این دین که برای ابلاغ آن آمده‌اید اعتقاد نداریم. و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتری دادیم و ما عذاب نخواهیم شد.

«مترفوها در این آیه به‌معنای جباران و توانگران و مرفهان است»^(۷)

استکبار و ظغیان سرمایه‌داری بدانجا می‌رسد که همهٔ ارزشها را در ثروت می‌دانند و به‌همهٔ فضیلتها و نیکیها به دیدهٔ کاستی می‌نگرد:

لقد سمع الله قول الذين قالوا: ان الله فقير و نحن اغنياء...^(۸)

خداوند گفته‌کسانی را شنید که گفتند: خدا

فقیر است و ما سرمایه‌دار و ثروتمندیم ... و این اوج استکبار و خود بزرگ بینی است که نسبت به خالق کائنات چنین بیندیشند و چنین سخنی بر زبان آورند.

پیامبران الهی را نیز چون از طبقات محروم بودند، به هیچ می‌گرفتند و اندیشه‌ها و گفتار آنان را بی‌ارزش می‌پنداشتند:

و قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من التوتین عظیم^(۹) گفتند چرا این قرآن بر مردی از بزرگ مردان آن دو قریه نازل نشده است.

و قال لهم نبیهم: ان الله تعهدت لكم طابوت ملكا قالوا: انى له الملك علينا و نحن احق بالملك منه ولم يؤت سعة من المال^(۱۰) ...

پیامبر ایشان (نبی اسرائیل) به آنان گفتند خداوند طابوت را پادشاه شما قرار داد، گفتند چگونه می‌تواند به پادشاهی برسد، در صورتی که ما برای پادشاهی از او شایسته‌تریم، او که مال فراوانی ندارد ...

در اندیشه لیبرال، سرمایه‌داری، معیار و محور برای هر کار و هر چیز، مال است حتی پست‌ها و مسئولیت‌های دشوار اجتماعی با این معیار داده یا گرفته می‌شود. و بدینسان تعالی طلبی

سرمایه‌داران بدانجا می‌رسد که دینشان و خدایشان را اموالشان می‌دانند:

پیامبر بدین: «فواعصبا نوم المهم امواهم»^(۱۱) گفتند از مردی که عصبه‌های ایشان مالهایشان است.

از اینرو می‌نگریم که در تعالیم اسلامی، کنایه کفافی، زندگی آرمانی و اسلامی شمرده شده است، یعنی رستی که با خود فقر و کمبودداری نگذرد و برزاقه‌داری نزدیک نکردد و گرفتار عوارض و معایب سرمایه‌داری نشود، و این بهترین زندگی شناخته شده است.

امام سجاد (ع): «الهم انى اسئلك غير المعيشة، معيشة اقصى بها على جميع حاجاتي، و اتوصل بها اليك في حياة الدنيا و في آخرتي، من غير ان تخزني فيها قاطعتي، او تقترها على فاشق»^(۱۲) ...

خدایا از تو معیشتی بیک خواهیم: معیشتی که با آن همه نیازمندی‌هایم را برآورم، و در زندگی این دنیا و در آخرت با آن به قرب تو بوسه‌بخشی، آنکه هر آفرق در نعمت سازی تا سر به طغیان بردارم، یا به اندازه‌های آن را اندک بدهی (فقر و کمبود) که گرفتار بدبختی شوم ...





قانون اجتماعی سالم و منسجم و متوازن، پدید نخواهد آمد. قانون است که باید حس افزونخواهی و آزمندی گروههایی را محدود کند، و ابزار قدرت افرادی را که مایه تجاوز و سلطه است، در هم بشکند و انواع تجاوزگریها را مهار کند، و همه را به انجام وظیفه و تکلیف خویش در جامعه تشویق کند و یا ملزم سازد و بدینگونه‌ها همگان را به حق خویش برساند.

توده‌های مردم، قانون دوست هستند؛ زیرا که در پرتو قانون می‌توانند از شر آفرینی قدرتمندان و متمکنان، در امان بمانند و قانون، تنها مدافع آنهاست در برابر گروههای تجاوزگر؛ لیکن قدرتمندان بویژه سرمایه‌داران، قانون را باور ندارند، و همواره و با همه ابزارها به قانون شکنی می‌پردازند، و با نفوذ در مراکز اجرای عدالت و قانون، آن را دگروار تفسیر می‌کنند، و یا آشکارا زیر پا می‌نهند و به‌ظلم و تجاوز به حقوق انسانها ادامه می‌دهند.

سرمایه‌داری، تنها قانون سرمایه‌داری را می‌پذیرد، یعنی قانونی که منافع سرمایه‌داری را تضمین کند. امنیت قانونی از نظر سرمایه‌داری، امنیت انسانی نیست؛ بلکه امنیت آشکال

اموال از نظر راهنمایان الهی ابزار و وسیله‌ای برای تأمین زندگی مقتصدانه همه انسانهاست، و وسیله اثبات هیچ ارزشی از آن دست ارزشهایی کاذب و منفی در تفکر سرمایه‌داران نیست.

۲- سرمایه‌داری و قوانین اجتماعی

تعادل جامعه و نوازن میان منافع و حقوق افراد، و ارتباط معقول میان "حق" و "تکلیف"، در پرتو قانون، صورت می‌پذیرد و بدون حاکمیت

سرمایه‌داری است، امنیت انواع انحصارگرایی و تشکیل سازمانهای اقتصادی چون "کارتل" و "تراست" است، امنیت نرخگذاری انحصاری و سودجویانه و خود سرانه است که تنها منافع سرمایه‌گذاران را تأمین کند یا امنیت انواع "تولید" است حتی تولید کالاهایی که زیانبار است چون تولید سلاحهای شیمیایی، میکربی یا تولید کالاهای غیر مفید و یا زیان‌آور نظام لیبرال - سرمایه‌داری، هر چه را سودآور است باید با امنیت خاطر و خیال راحت بتواند تولید کند، گرچه برای انسانها زیانبار باشد یا محیط زیست را بیالاید و یا منابع را آلوده کند و یا پایان برساند.

سرمایه‌داری می‌گوید:

«... آنچه قابل استفاده است باید ساخت، آنچه را به‌فروش می‌رسد، باید تولید کرد، آنچه را که قدرت نظامی مار را افزایش می‌دهد باید به‌دست آورد» (۱۳)

در این گردش اقتصادی آزاد، هیچگاه منافع توده‌ها منظور نمی‌گردد.

از دید سرمایه‌داری، منافع و امنیت انسانها و نسلها باید فدای امنیت این نظام اقتصادی شود. بنابراین قانونی که در پرتو آن باید انسانها طبیعت،

گونه‌های حیوانی و گیاهی و مجموعه پدیده‌های حیاتی زیست محیطی، سلامت خویش را بیابند، با کسار شکنی‌ها و مانع‌تردستی‌های زبردستان، به‌امنیت برای "رشد سود و سرمایه"، تبدیل می‌شود و قانون، جای خود را به قانون دلخواه سرمایه‌داری می‌دهد. این حقیقت تلخ در عملکردهای سرمایه‌داری در تعالیم اسلامی نیک تبیین شده است:

امام صادق «ع»: «... فان مع كثرة المال تكثر الذنوب الواجب الحقوق» (۱۴)

زیادی مال سبب افزایش گناهان در برابر حقوقی است که بر توانگران واجب می‌شود (و کمتر توانگری آن حقوق را ادا می‌کند).

«... اینان در مقابل گسترش قسط و عدل ... و حذف الحضا رطلبی و ویژه خواهیهای بی دلیل در زندگی و معیشت، سرفرودمی‌آورند؛ بلکه پیوسته خود مال اختصاص دادن همه چیز به‌خود و برتری جویی بر دیگرانند...» (۱۵)

و همین زمینه اصلی قانون شکنی و سرپیچی از هر قانون حق و عدلی است و بگفته «فرانسوا پوپرو»:

«سرمایه‌داری نمی‌تواند در نظام اقتصادی به هیچگونه داوری و قضاوتی تن در دهد...» (۱۶)



۳- سرمایه‌داری و آزادی

سرمایه‌داری، آزادی انسانی و مشروع را باور ندارد؛ بلکه آن آزادی را می‌پذیرد که هیچ‌گونه مانع و محدودیتی در راه کارهای سرمایه‌داری پدید نیآورد و همه انواع سرمایه‌گذاری و تولید و توزیع را آزاد سازد. از اینرو، سرمایه‌داری به اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی، تولید آزاد، توزیع آزاد، نرخ‌گذاری آزاد و مصرف آزاد می‌اندیشد. در آزادیهای انسانی، تنها آن بخشها مطلوب است که به اقتصاد سرمایه‌داری، کمک کند یا فروش و مصرف فرآورده‌های صنعتی را ممکن سازد. چون آزادیهای مصرفی و شادخوارانه و ریخت و پاشهای تجملی.

«سرمایه‌داری نیاز به آزادی بی‌نظام دارد. در حالی که هیچ جامعه‌ای بدون داشتن معیارها و موازن و بدون شناختن حد و مرز و بدون متعادل ساختن آزادی‌ها قابل زیستن نیست و این اشاره‌ای است صریح به تضاد سرمایه‌داری و دموکراسی...» (۱۷)

نظام لیبرال - سرمایه‌داری چگونه شعار آزادی^{۱۷} سرمی‌دهد حال آنکه اقتصاد جهانی را به طرف... کاهش مداوم رقابتهای ملی و

بین‌المللی کردن باز در سرمایه‌ جهانی توسط بانک جهانی و آژانسهای دیگر طبقه حاکمه بین‌المللی... (۱۸) سوق می‌دهد و یا... ترک بازار آزاد بین‌المللی و جانمایی قیمت کنترل شده در فرآورده‌های تجاری و سرمایه‌گذاری... (۳) را موجب می‌شود؟

اگر اینگونه آزادیها در منابع و مراکز اصلی قدرت اقتصادی جامعه‌ها از میان برود، و اقتصاد جهان در دست گروهی خاص قرار گیرد و آزادیهای اقتصادی ملی و محلی و منطقه‌ای، جز صورتی بی‌محتوا چیزی نباشد، چگونه آزادی‌های دیگر می‌تواند مفهوم پیدا کند؟ براساس پیوستگی و ارتباطی که میان بخشهای گونه‌گون زندگی انسانی وجود دارد، با تحت سلطه درآمدن اقتصادهای ملی و محلی، دیگر آزادیها نیز محدود می‌گردد و با در راستای اهداف سلطه اقتصادی سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. و آزادی در بعد فکر و فرهنگ و اندیشه م هنر نیز تحت تأثیر و حاکمیت سلطه اقتصادی خواهد بود. نظام لیبرال - سرمایه‌داری، آزادیهایی را تبلیغ و ترویج می‌کند که گردونه تولید و مصرف سرمایه‌داران را پررونق سازد گرچه زیانهای زیست محیطی و یا انسانی در پی داشته باشد چون مصرف اسراف و تجملی کالاها و مواد، و



نیز زیانهای طبیعی و اجتماعی اینگونه زندگی‌ها بر کسی پوشیده نیست.

سرمایه‌داری بیش از اینها نیز به آزادی ستیزی دست می‌بازد و با هر فکر و فرهنگ و هنر و تکنولوژی و دانشی که پایه‌ها و پایگاههای سرمایه‌داری را متزلزل سازد و یا از نفوذ آن بکاهد و از عدالت و ارزشها بگوید مبارزه می‌کند و نسبت به آنها بسیار بی‌رحمانه و سرکوبگر است. نوع رفتار نظامهای سرمایه‌داری با کشورهای جهان سوم که تهیه‌کننده مواد خام و بازار مصرف مصنوعات آنها هستند، بسیار روشن است و شاهد گویایی بر ناسازگاری سرمایه‌داری و آزادیهای انسانی است. قرآن کریم، آزادی لگام گسیخته مال‌اندوزان را چنین تصویر می‌کند:

قالوا یا شعيب ائولو تک تامرک ان نترک ما
یعبداً باؤنا اوان نفعل فی اموالنا
مانشاء (۱)...

گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند ترک گوئیم، یا در اموال خود آنچه‌ان که خود می‌خواهیم تصرف نکنیم...

چون پیامبران، بر رعایت ضوابط در مسائل مالی فرا می‌خواندند، و حس آزمند و افزونخواه و





مرز نشانی مال اندوزان را محدود می‌ساختند و گردش ثروت و فعالیتهای اقتصادی را در چارچوب ضوابط عدل و حق، قرار می‌دادند و از خودسری و یکه‌تازی گروهی متکثر، مانع می‌گردیدند و جامعه را از زیر بار تحمیل‌های ناروای آنان آزاد می‌ساختند، از اینرو سرمایه‌داران با پیامبران مخالفت می‌کردند و به‌درگیری و ستیز با آنان روی می‌آوردند.

همهٔ اهرمهای فشار و ابرزاری را که ثروتمندان به‌کار می‌بستند تا توده‌های محروم را در تنگنا قرار دهند و آزادیهای آنان را سلب کنند، در تعالیم انبیاء، محکوم و مردود شمرده می‌شد چون احتکار، کم‌فروشی، گرانفروشی، استثمار، ظلم و انواع انحصارطلبی‌ها و بی‌عدالتی‌های اقتصادی. و شاید رهایی از این تنگناها در کلیت تعبیر ژرف قرآنی در آیهٔ «اصرواغلل» نیز نهفته باشد:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي ...
يُضِعُّ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ
عَلَيْهِمْ (۱۹) ...
آنان که از این پیامبر اُمّی (مکی) پیروی کنند،
پیامبری ... که بار سنگین و زنجیرهایی را که
بدان بسته شده‌اند از آنان برمی‌دارد ...

دام و زنجیرهای اقتصادی نیز از جملهٔ این «اصرواغلل» است که قرآن کریم، بعثت پیامبر را

برای برداشتن این زنجیرها از پای انسانها و آزادی ایشان از این اسارتها نیز می‌داند.

امام علی «ع»: «اللَّهُمَّ أَنْكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُن
الَّذِي كَانَ مَتًّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ
شَيْئًا مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَامِلِ مِنَ
دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ؛ فَيَأْمَنُ
الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامُ الْمَعْطَلَةُ مِنَ
حُدُودِكَ» (۲۰) ...

خدایا! تو خود می‌دانی که هدف ما (از
حاکمیت و زمامداری)، رقابت برای به‌دست
گرفتن قدرت و نیز خواستاری فزونی مال دنیا
نبود، بلکه چنان می‌خواستیم که نشانه‌های
دینت را باز گردانیم، و در سرزمینهای تو
آشکار را دست به‌اصلاحات زنیم، تا بندگان
ستم‌دیده‌ات امنیت یابند، و حدود و اوامر
تعطیل شده‌ات دوباره راه افتد ...

عین همین سخن‌نیز از حضرت امام حسین «ع»
نقل شده است که هدف از تلاشهای ما امنیت
مظلومان و ایجاد محیطی امن و بدور از دلهره برای
انسانهای مظلوم است، یعنی همان انسانهایی که
همواره مورد تجاوز زورمندان و طبقات متنفذ
اجتماعی قرار می‌گیرند. مگر نتیجه و ره‌آورد اصلی
آزادی برای انسانها، ریختن همهٔ ترسها و دلهره‌ها
و نگرانیها نیست؟ این آزادی و رهایی راستین برای

جامعه بشری است نه ادعاهای نظامهای سرمایه‌داری در آزادی، که کمترین رسالتی برای نجات توده‌های انسانی ندارد. آری در پرتو امنیت اجتماعی برای ستمدیدگان و قشرهای فاقد امکانات و بی‌پشتوانه است که آزادی راستین در جامعه، فروغ می‌گسترده و همه انسانها را رهایی می‌بخشد، و مال اندوزان سلطه‌طلب را محدود می‌سازد، و در صورت سرپیچی، تصفیه می‌کند و آسایش و آزادی واقعی، نصیب مظلومان می‌گردد.

۴- استثمار

استثمار و بهره‌کشی از کارمحرومان، از نا انسانی‌ترین روشهای سرمایه‌داری است. تردید نیست که سرمایه‌های کلان، جز از راههای ظالمانه و استثمار و نادیده گرفتن حقوق دیگران، گرد نیاید و درآمدهای عادلانه و مشروع، به ثروتهای زیاد نمی‌انجامد.

امام علی «ع»: «الا فتوقعوا من إديبار موركم ... ذاك حيث تكون ضربة السيف على المؤمن اهن من الزرق من حله» (۲۱)
هان منتظر روزی باشید که نظام اجتماعی شما از هم بپاشد ... و این بهنگامی است که فرود آمدن شمشیر بر سر مؤمن آسانتر است از دستیابی به درهمی حلال.

امام صادق «ع»: ... و مطلب الحلال عزیز. (۲۲)

دستیابی به حلال، بسی کمیاب (و دشوار) است

«هیچ انسان آگاهی در این امر، شکی ندارد که بهره‌کشی و استثمار، یکی از وسایلی است که متکثران برای جمع کردن مال فراوان به آن متوسل می‌شوند. تکاثر بدون بهره‌کشی شدنی نیست، مگر کسی گنج پیدا کند یا از آسمان، سیم و زر بروی فرو بارد. کسانی هم که ثروت بسیار خویش را نتیجه کوشش و تلاش و قدرت فکری و نبوغ اقتصادی خود می‌دانند، درست آن است که این نبوغ به معنای نبوغ در شناختن راههای استثمار و تسلط یافتن بر آن است ...» (۲۳)

استثمار، در همه اشکال آن، از مصادیق بسیار روشن ظلم و بی‌عدالتی است و چون ادیان الهی در ماهیت و ذات، فراخوان عدالت و ظلم ستیزند، با استثمار، ستیزی آشتی ناپذیر دارند. این موضوع از اصولی‌ترین تعالیم پیامبران است که در آغاز دعوت خویش به آن پرداختند، و همراه با دعوت به توحید و مبارزه با کفر و شرک، با استثمار و ظلم و انواع خیانت‌های مالی، مبارزه کردند:

و یا قوم اوفوا للمکیال و المیزان با قسط و





لا تبحسوا الناس اشیاء هم و لا تعفوا فی الارض
مفسدین (۲۴)

ای قوما! پیمانۀ و ترازو را تمام و به عدل دهید
و چیزهای (کار و کالای) مردمان را کم بها
مکنید، و همچون تبهکاران در زمین به
تبهکاری مپردازید.

پیامبران پس از دعوت به توحید، از سالمسازی
روابط اقتصادی در جامعه سخن گفتند و با ظلم و
استثمار حق مردمان، مبارزه کردند.

در آیه دیگری این موضوع حیاتی چنین
 مطرح گردیده است:

«یا قوم اعبدوا الله ما لکم من الله غیره قد جاء
تکم بینه من ربکم فاوقوا الکیل و الیزان و
لا تبحسوا الناس اشیاء هم و لا تفسدوا
واق الارض بعد اصلاحها (۲۵) ...»

ای مردما! خدای را بپرستید شما را خدایی جز
او نیست دلیل آشکاری از پروردگارتان
به سوی شما آمده، پیمانۀ و ترازو را به تمام
دهید، و به چیزهای مردم بها کم مدهید، و
در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید.

امین الاسلام طهریسی درباره این آیه می گوید:
«ولا تبحسوا الناس اشیاء هم، ای "لا تنقصوا
الناس حقوقهم" ... حق مردم را کم مکنید، و
ایشان را از حقوقشان محروم مسازید» (۲۶).

بخس اشیاء ناس، همان کم گرفتن و کم بها
دادن به اشیاء مردم است و همه گونه بهره کشی را
شامل می شود. چون روشن است که «جمع مضاف»
(اشیاء)، معانند کلمه کارای «ال تعریف»، معنای
عموم دارد. بنابراین شاید «اشیاء هم»، به حسب
مناط، کار همه کارگران و مزد آنان را نیز شامل شود.
بنابراین، بخش و کم بهادادن، چنانکه شامل
کالاها و موارد می گردد، شامل کار کارگران و
کشاورزان نیز می شود، و در هر دو زمینه، یکی از
شیوه های سرمایه داری و ظالمان اقتصادی را با
محرومان و مستضعفان، روشن می سازد؛ زیرا
چنانکه می شود به کار کارگر، بها لازم را نداد و از
مزد او کاست، همچنین می شود به مواد خام و
کالاهایی که محصول کار کارگران و کشاورزان است،
نیز بها لازم را نداد و آن را به قیمت واقعی بخرند.
و این «بخس» و کم بها دادن به کار و کالای مردمان
است که پیامبران همواره از آن نهی می کردند.
سرمایه داری با تشکیل شرکتهای بزرگ و فرا
منطقه ای، و سلطه بر بازارهای جهانی، و خرید و
فروش مواد و کالاها، و اعمال شیوه های انحصاری،
از ارزش واقعی کالاها می کاهد و به دلخواه، قیمت
گذاری می کند. همچنین سرمایه داری با اتحاد و

همبستگی صاحبان صنایع، مزد کارگران را به حق و عدل نمی‌پردازند و با تبانی و دلخواه، سطح دستمزدها را تعیین می‌کنند، و بدینگونه به کار آنان بهای واقعی پرداخته نمی‌شود و این استثمار و غضب حقوق و بخش اشیاء ناس است.

همواره در طول تاریخ، این شیوه رفتار اقویا و توانمندان است که به انواع حقه‌های دست می‌یازند و برابری رابطه اقتصادی در جامعه، رابطه اکل و ماکول اقتصادی است:

پیامبر «ص»: ... فی اکل قوهم ضعیفهم!

زورمندان مسلمان ضعیفان را می‌خواند ...

فرازهای پیشین این سخن پیامبر «ص»

چنین است:

«من بهر حاکم مسلمان یادآوری می‌کنم که

خدا را فراموش نکند و جانب ضعیفان را بگیرد و همواره در خانه‌اش به روی مردم باز

باشد و گرنه ضعیفان، ماکول قرار خواهند گرفت و خورده خواهند شد.»

امام علی (ع) ... یا اکل عزیزها ذلیلها (۲۷) ...

نیرومند آنان فرومایه را می‌خورد...



موضوع استثمار با تعبیر کلی «ظلم» نیز مطرح

گردیده که از مصادیق آن استثمار و کم بها دادن

به کار انسانهاست.

استثمار بطور خاص در احادیث نیز مطرح گردیده و تعبیرهایی کوبنده در آن باره رسیده است:

پیامبر «ص»: من ظلم اجراً اجره، احبط الله عمله و حرم علیه ربح الجنة... (۲۸)

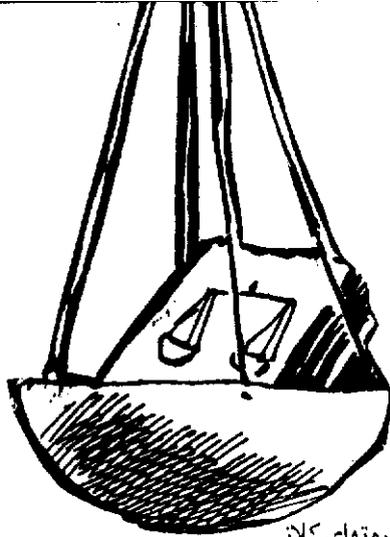
هرکس درباره مزد کارگری، ستم کند (به کم دادن، یا دیر پرداختن)، خدا عمل او را باطل می‌کند، و بهشت را براو حرام می‌سازد ...

امام صادق «ع»: «وصی! رسول الله علیاً عند وفاته قال: یا علی! لا یظلم الفلاحون بحضرتک ... (۲۹)

پیامبر خدا در هنگام وفات به علی «ع» چنین سفارش کرد: ای علی مبادا در قلمروی تو به کشاورزان، ستم رود.

سه واسطه‌گری و سودهای نامحدود بازرگانی

سودهای نامحدود در مبادلات و آزادی در نرخگذاری با روشهای انحصاراتی و واسطه‌گریهای اقتصادی، از مشکلات اصولی اقتصاد امروز جامعه بشری و از راه کارهای سرمایه‌داری است. سرمایه‌داران با هزینه کردن نقدینه‌های سرگردان و فراوان خویش، یا به واسطه‌گری می‌پردازند و یا با



نرخگذاری آزاد و سودهای ناعادلانه، ثروتهای کلانی به جیب می‌زنند. نرخگذاری آزاد و بی‌کنترل که در نظامهای سرمایه‌داری، معمول است و یا واسطه‌گریهای گسترده میان صاحبان کالا و مصرف‌کنندگان، در گرانی قیمت‌ها تأثیر زیاد دارد و بیشتر رشد قیمت و نرخهای روزافزون، از این دو جریان فاسدپدید می‌آید، یعنی نبود کنترل و محدودیت، و تحمیل نرخهای دلخواه بر توده‌های مصرف‌کننده. این شیوه نوعی تحکّم و زورگویی است چنانکه امام علی «ع» فرموده است:

اعلم ... انّ في كثير منهم (التجّار) ... واقعاً
للفنّاع و تحمّلًا في البيّعات، و ذلك باب
مضرة للعامة ... (۳۰)

بدانکه بسیاری از آنان (بازرگانان و کاسبان) دست به‌احتکار اجناس سودمند و مورد نیاز می‌زنند، و در معامله و دادوستد زورگو و خودسرند؛ و این رفتار به‌همه مردم زیان می‌رساند ...

این خودسری و تحمیل‌ها از آزمندی و حس مال‌پرستی بیشتر در بازرگانی آزاد و لیبرال، ریشه می‌گیرد:

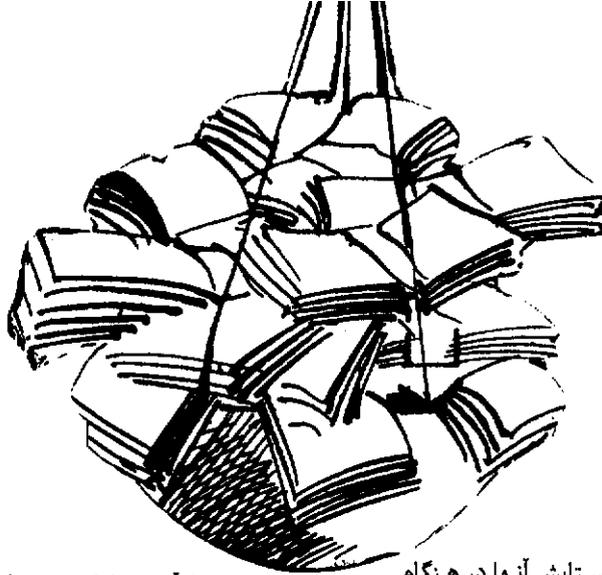
امام علی «ع»: و اعلم .. انّ في كثير منهم ضيقاً
فاحشاً (۲)
بدانکه بسیاری از آنان تنگ چشمی بیش از
اندازه دارند.

امام سجاد «ع»: ... اما الذئب فتجّار کم، يذمّون
اذا اشترّوا، و يمدحون اذا باعوا (۳۱) ...

گرگ بازرگانان شمايند، که چون خریدار باشند
از کالا عیب‌می‌جویند، و چون فروشنده باشند
به‌ستایش آن می‌پردازند ...

این تعلیم سجدای به‌آن اشاره دارد که رابطه
میان واردکنندگان کالا و مردم، همچون
رابطه گرگ و گوسفند است. همین تعبیر، یک
جنبه از جنبه‌های بهره‌کشی و استثمار
اقتصادی را برای ما آشکار می‌سازد، یعنی
نکوهش اجناس و کالاها در هنگام خرید برای





پایین آوردن بها، و ستایش آنها در هنگام فروش برای بالا بردن نرخ...» (۳۲)

«این همان شیوه‌های تبلیغی برای بازاریابی است، که امروز به صورتی گسترده در جریان است و شیوه‌های امپریالیسم تبلیغی را تشکیل می‌دهد، و هزینه‌های بسیار کلانی برای آن پرداخته می‌شود. تنها در سال ۱۹۶۴، ۱۵۰ میلیارد دلار صرف تبلیغات شده است و در سالهای بعد نیز روندی صعودی داشته است.» (۳۳)

شهید آیه الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی می‌گوید:

«... آن چیزی که دزدی است و منجر می‌شود به اینکه عده‌ای بتوانند رگهای نامرئی برای جذب ارزشهای تولیدی دسترنج کار مغزی ویدی دیگران، ایجاد و انبار کنند، همین سود سرمایه بازرگانی است. در این سود خرید و

فروشها، آن مقدار که در برابر حق الزحمه خریدار و فروشنده، منشی و حسابدار، و کارگر و هزینه تلفن، و امثال آن است جای اشکال نیست، اما کسی که می‌گوید بدین حساب که او هزار تن، خرید و فروش کرده است، فلان مقدار می‌خواهد، و اگر صد تن، بود با همان مقدار کار ۱۰٪ آن سود را می‌خواهد، صحیح نیست. این همان سود سرمایه ظالمانه است که مردود است... از تتبع قسمت مهم روایاتی که از عصر پیامبر اکرم «ص» و ائمه سلام الله علیهم اجمعین در زمینه آداب تجارت داریم، به خوبی درمی‌یابیم که سودی که در کسب برای خود در نظر می‌گیرد معادل حق الزحمه‌ای است که عادلانه باشد... و بیش از این از نظر ماهیت اقتصادی، نوعی ظلم است، و هیچگونه تفاوتی با ربا ندارد...» (۳۴)

دستیابی به اینگونه سودهای ظالمانه. با



سیستم مبادلات انحصاری، ممکن می‌شود که شرکتها و مؤسساتی بر کل بازارها سیطره یابند، و با اتحاد دربارهٔ قیمتها و قیمت گذاریها به توافق برسند و رقابتها و رقیبان را از میان ببرند، رقابتهایی که ممکن است در تنزل نرخها یا تصاعد نرخ مواد خام تأثیر داشته باشد و رفاه حال مصرف کنندگان و یا فروشندگان مواد خام (مثلاً نفت) را موجب گردد.

«... امروزه به‌خوبی می‌توان نشان داد که شرکتهای چند ملیتی در کشورهای خود، قدرت اصلی و تعیین کننده در امور اقتصادی و سیاسی‌اند، و با حرکت به‌سوی وحدت استراتژیک و شراکت با یکدیگر در سرمایه و تولید، به‌قدرت اصلی و تعیین کننده در امور اقتصادی جهان و به این سبب در امور سیاسی و نظامی دنیا در آمده‌اند ... و این در حالی است که مقاومت‌های محلی و ملی در درون مرزهای ملی در برابر موج تمرکز سرمایه، روز به‌روز ضعیف‌تر می‌شود...» (۳۵)

در نظام سرمایه‌داری، حتی برای از میان برداشتن دیگران، گاه کالای خود را با قیمتی بسیار نازل می‌فروشند و از این طریق، تولید کننده محلی را که رقابت با این کالا را از دست می‌دهد، از

میدان بیرون می‌کنند. (راپینگ)

این شیوه‌ها و راه کارها با سراسر تعالیم اسلامی در تضاد است زیرا اینگونه امور، مبادله و بازرگانی سالم نیست؛ بلکه مکیدن خون انسانها و قتل و کشتار عمومی است، کشتاری با سلاحهای نامرئی کشتار جمعی، و بسیار کشنده‌تر از سلاحهای شیمیایی و میکربی.

قرآن کریم، تعبیر بسیار گویایی در این زمینه‌ها دارد، که برآستی اعجاز است. قرآن، در آیهٔ تجارت و تجویز سود تجاری، نخست از ستمکاری و ظلم و بیراهه روی در مبادلات، سخن می‌گوید و کلمهٔ جامع «باطل» را به کار می‌برد:

«لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (۳۶)

اموالتان را در میان خود بناحق (راههای باطل) مخورید.

مراد از خوردن، همین گردش کالا و پولها و انواع داد و ستدهاست. پس از این «اکل باطل» (که پیشترها در آن باره سخن گفتیم، و آکل و مأکول اقتصادی را اندکی تصویر کردیم در موضوع «استثمار»)، مبادلهٔ منطقی و انسانی و اسلامی را مطرح می‌کند:

«الْأَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (۳)

مگر دادوستدی باشد با رضایت شما (خریدار و فروشنده).

در این فراز، شرط اصلی مبادله اسلامی، رضایت طرفین معامله شمرده شده است که به ضرورت، سودهای عادلانه را دربر می‌گیرد و سودهای بی‌حساب و انحصاراتی شرکت‌های سرمایه‌داری را مردود می‌شمارد؛ زیرا در اینگونه سودها (که برآستی قدرت و اختیار را از خریدار، سلب می‌کند و او را بخاطر نبود آزادی در رقابت و عرضه کالاهای متنوع و متفاوت از نظر قیمت)

خریدار مجبور می‌شود که کالای خاصی را با نرخ ویژه‌ای بخرد و در این صورت، هیچگاه رضایت طرفین تحقق نمی‌یابد. این، «تراضی» نیست؛ بلکه تنها رضایت فروشنده قوی است و خریداری ضعیف که کالایی را به چند برابر قیمت خریده است، چگونه می‌تواند از نتیجه این داد و ستد، راضی و خشنود باشد؟

پس از این دو فراز، فراز سومی در آیه کریمه آمده است که ماهیت و جوهر اینگونه مبادلات را روشن می‌سازد:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ (۱)»

و خودهاتان (یکدیگر) را مکشید»

در اینجا براساس رابطه بندها و فرازهای آیات، این قتل نفس و کشتن افراد یکدیگر را، با نظام مبادلاتی که در دو فراز نخست این آیه، مطرح گردیده است، ارتباط دارد. این قتل، بی‌تردید، قتل اقتصادی و با سلاح اقتصادی است. یعنی آنگاه که مبادله بصورت‌های ظالمانه و باطل، صورت گرفت و نرخ‌گذارها آزاد بود، توده‌های مردم بتدریج تهیدست می‌گردند و تنها اقلیت سرمایه‌دار است که سودهای بی‌حساب می‌برند و اموال که طبق تعبیر پیامبر بزرگوار اسلام ص، در حکم خون است:

«حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ (۳۷):»

احترام مال مؤمن چون احترام خون اوست»

و طبق تعبیر قرآن کریم؛ مال، عامل پایداری و استواری است:

«وَلَا تَوَلَّوْا السُّفَهَاءَ اَمْوَالِكُمْ اَلَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا (۳)»

امواتان را که خداوند سبب قوام (برپایی و استواری) زندگی شما قرار داده است به دست کم خردان (و ناواردان) مدهید ...

این عامل حیاتی از دست اکثریت ربوده می‌شود و به جیب اقلیت روانه می‌گردد و اکثریت را دچار کمبود و کم‌خونی می‌سازد و تعادل جامعه





بدینسان برهم می‌خورد و حیات همگانی، آسیبه‌های جدی می‌بیند. این است که قتل نفوس پس از مبادله و بازرگانی قرار گرفته است، و به تعبیر آیه‌الله شهید سید محمد باقر صدر، عامل حیاتی در جامعه (داد و ستد) به عامل تباهی و ویرانگری تبدیل می‌شود:

«... ظلم انسان - طبق تعبیر قرآن کریم - که توده‌ها را از برکات زندگی و خیرات آن، محروم ساخته است، در مبادله نیز سرایت کرده، تا آنجا که مبادله را دگرگون ساخته و تغییر شکل داده است، و آن را وسیله بهره‌کشی و پیچیدگی کرده است... مبادله دیگر وسیله‌ای نیست که نیازهای توده‌ها را برآورده سازد و به جای اینکه واسطه بین تولید و مصرف باشد واسطه بین تولید و اندوختن شده است. از این رهگذر وضع ظالمانه مبادله موجب فجایع و انواع بهره‌کشی‌ها (استثمار) گردید، بسان همان فجایع و بهره‌کشی‌هایی که اوضاع ظالمانه توزیع در جوامع برده‌داری و فئودالی، یا در جوامع سرمایه‌داری و کمونیستی پدید آورده» (۳۸).

این بیدادگریها همه در سایه آزادی اقتصادی لیبرالیستی پدید می‌آید و توده‌ها را مجبور می‌کند که به‌نرخهای ساختگی (نه طبیعی) آنان تن دهند و به‌مغاک فقر و محرومیت کشیده شوند.

نیز شهید صدر می‌گوید:

«... این منع قاطع امام‌وع» (در عهدنامه مالک اشتر) از «احتکار»، به‌معنای خواست شدید اسلام نسبت به‌از میان بردن سودهایی است که براساس قیمت‌های ساختگی استوار است، و در جریان احتکار سرمایه‌داری پدید می‌آید. سود پاک (مشروع)، سودی است که از راه بهای واقعی مبادله کالا به‌دست می‌آید و این قیمتی است که براساس سود کالا و مقدار قدرت طبیعی و خارجی آن به دست می‌آید، با دور افکندن جریان کمیابی ساختگی که سرمایه‌داران و بازرگانان محترک با تسلط بر جریان عرضه و تقاضا آن را ایجاد می‌کنند» (۳۹).

این شیوه‌های انحصاراتی را، آیه‌الله شهید مرتضی مطهری نیز مردود و نامشروع می‌شمارد:

«از نظر اسلام، تشکیل «تراست» قطعاً ممنوع است و تشکیل «کارتل» چون به‌منظور ایجاد تضییق و بازار سیاه از لحاظ فروشنده است، ممنوع است» (۴۰).

فرهنگ سرمایه‌داری فتنه‌های اجتماعی و تهاجم فرهنگی

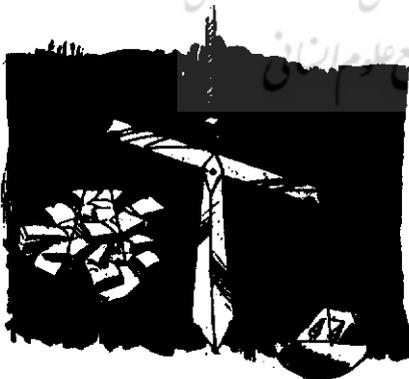
ابرقدرتهای لیبرال - سرمایه‌داری بین‌الملل،

دریافتند که با قدرت نظامی و جنگ نمی‌توان بر کشورها، بازارها و منابع ثروت مسلط شد؛ بلکه نیاز به سلاح جدیدی است که به ظاهر، صورت اسلحه ندارد و موجب جبهه‌گیری توده‌ها نمی‌گردد. این سلاح، سلاح اقتصادی است که با این ابزار می‌توان به‌جنگی نامرئی و به ظاهر صلح جویانه و خیر خواهانه دست یازید و همهٔ ارض مسکون را زیر نفوذ و سلطه درآورد.

دستیابی به این سلطه و به‌کارگیری این ابزار، در محیط‌های آرام و قانونمند و با فرهنگ‌هایی پیشرفته و انسانی، امکان ندارد؛ چه در اینگونه اجتماعات، مردمان آگاهی دارند و به‌بررسی پدیده‌های اجتماعی و تحلیل علل رخدادها می‌پردازند و دشمنان خلق را در همهٔ چهره‌ها و رنگها شناسایی می‌کنند و پوششها و ماسکها را یک سو می‌زنند و ویرانگریها و تباه‌سازیهایی پنهانی را برملا می‌کنند و نقشه‌ها و راه‌کارهای فریبکارانه را مانع می‌گردند.

از اینرو، سرمایه‌داری برای ایجاد زمینه مناسب، با روشهای گوناگون، آرامش و تعادل و همبستگی جامعه‌ها را برهم می‌زند و به‌نشر اکاذیب و شایعه‌سازی می‌پردازد، مبانی فرهنگی

خودی را به باد تمسخر می‌گیرد، معیارهای اصولی و باورهای بنیادین جامعه را زیر سؤال می‌برد، و نسلها را به‌آنچه خود دارند بدبین می‌کند و اصالت‌های خودی و بومی را متزلزل می‌سازد. بالاتر از این، به تحریف مبانی دینی جامعه‌ها نیز می‌پردازد و مرز میان خوب و بد و نیک و زشت و انسانی و غیر انسانی و الهی و شیطانی و عدل و ظلم و حق و باطل و ... برمی‌دارد بدان پایه که از نادرست درست، و از نائسانی، انسانی، و از ظلم، عدل، و از ضد ارزشها، ارزشها فهمیده شود و از این رهگذر، سفسطه‌های بزرگ، تحقق می‌پذیرد و توده‌های مردم درسرگردانی و سردرگمی فرو می‌افتند، و زمینه‌های تجاوزگری و ترک تازی صاحبان زر و زور آماده می‌شود.





و اینها همه در سایه فتنه‌گریها و شیوه‌های تبلیغاتی ویژه‌ای صورت می‌گیرد که کارشناسان طبق هر جامعه و منطقه‌ای تهیه می‌کنند و از طریق رسانه‌های گروهی بویژه مطبوعات، بر سر توده‌های ساده‌دل انسانی می‌ریزند.

تاثیرگذاری و نفوذفکری، با شگردهایی چون: تکرار، مبالغه، دروغ، ارائه نظر به‌عنوان حقیقت، تجاهل عمدی و (۴۱) ... صورت می‌گیرد و فتنه‌ها و تحریفها از مسائل فکری و فرهنگی آغاز می‌گردد و به‌درگیری‌های درونی و بیرونی و راه‌اندازی دسته‌بندی‌های سیاسی، اجتماعی و سرانجام آشوبها و درگیریهای بزرگ می‌انجامد. هدف اصلی از این فتنه‌گریها، وابستگی روزافزون جامعه‌ها و غفلت از مسائل اصلی و از دست دادن قدرت سیاسی و اقتصادی کشورها است. در قرآن کریم آمده است:

مَا لَكُمْ لِيَوْمِ الْآزِفِ مِنْ قَوْمٍ عَلَى خَوْفٍ
مِنْ قَوْمٍ وَمَلَأَمْ أَنْ يَطْمِئِنُوا بِرِجَالِ مُشْرِكِينَ
يَعْبُدُونَ إِلَّا رِجَالًا مِمَّنْ لَكُمْ مِنَ الْمَشْرِكِينَ (۴۲)
به موسی نگریدند جز آنکه از قوم وی،
بمسبب قریبی از فتنه و ستم فرعون و سران
قوم لوط و فرعون در زمین برتری طلب بود و از
زمره مسرفان.

فتنه‌ها و آشوبهای ملاء و سران قوم نیز در بازاری قیوم حضرت موسی (ع) چون فتنه‌انگیزی‌های فرعون بوده است. پیامبر اکرم (ص) در سخنی جامع و عمیق، فتنه‌انگیزی‌های سرمایه‌داران را چنین تبیین می‌کند:

«سِأْتِي مَنْ بَعْدِي اقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طِيَّاتِ الطَّعَامِ
وَالْوَانِهَاءِ، وَيَرْكَبُونَ الدُّوَابَّ ... يَبْنُونَ الدُّوَرَّ،
وَيَشِيدُونَ الْقُصُورَ، وَ... الْفِتْنَةَ مِنْهُمْ وَ الْيَهْمَ
تَعُودُ (۴۳)

پس از من اقوامی خواهند آمد که خوراکهای پاکیزه و رنگارنگ می‌خورند، و از وسایل سواری استفاده می‌کنند و خانه‌ها می‌سازند و کوشکها می‌افرازند ... فتنه از ایشان است و کار ایشان».

باری این خاصیت سرمایه‌داری مهارگسیخته و اقتصاد آزاد و پیامدهای جدایی‌ناپذیر افزون‌طلبی است که به فساد و فتنه و قانون شکنی، روی آورد و در قلمرو گسترده‌تر ناامنی و ناآرامی و جنگ و درگیری راه بیندازد، آنگاه که به نفع اقطاب سرمایه‌داری باشد.

امام علی (ع): «الْمَالُ لِلْفِتَنِ سَبَبٌ (۴۴)

مال سبب برپا شدن فتنه‌ها (آشوبها) است.

با توجه به زیانهای بنیادین و خانمانسوز

فتنه‌گری است که آن را چه بسا از قتل و جنگ

زیانبارتر ساخته است. قرآن می‌گوید:

الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۴۵)

فتنه از قتل، بدتر است.



قرآن فرموده است:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ (۴۷)

به سبب اعمال مردمان، فساد در خشکی و
دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از
کارهایشان را بچشانند، باشد که باز گردند.

۷- نظام 'لیبرال - سرمایه‌داری' و محیط زیست

محیط زیست و بیماریهای آن، و زیانها و
ویرانگریهای تمدن صنعتی نسبت به 'زیست بوم'،
براندیشمندی پوشیده نیست؛ بگونه‌ای که
متخصصان، کره زمین را چون بیماری می‌دانند که
دچار بیماریهای فراوان گشته است. (۴۶)
بیماریهایی که در کالبد آن نفوذ کرده و ژرفای آن را
بیمار ساخته و حتی فضا و هوای شناور بر سطح آن
را آلوده کرده است. منابع آبی زیر زمینی، آلوده
گشته و ریه زمین، یعنی جنگلها و اکسیژن سازان
را به نابودی کشیده است. منابع و ذخائر نهفته در
درون آنرا به پایان نزدیک کرده و بسیاری از
گونه‌های گیاهی و حیوانی را به دست نابودی
سپرده است. دریاها با همه بی‌کرانگی، آلوده گشته
و ماهیها و جانداران آن، رو به کاستی‌های فاحش
گذارده است. بیماریهایی که دهها هزار سال زمان
لازم دارد تا شاید مداوا شود. وضع چنین است که

نظام سرمایه‌داری، معیار کار خویش را بر اصول
به ظاهر سازنده و اقتصادی، بنا نهاده است.

اصلی: «رشد تولید برای رشد مصرف» و «رشد
مصرف برای رشد تولید».

همه مشکلات زیست محیطی ما، در پرتو
همین اصل پدید گشته است. گردونه ویرانگر 'رشد
مصرف و رشد تولید' بدون در نظر گرفتن شرایط
محیطی، انسانیت کنونی را به مگاک تیره‌بختی
افکنده و کره زمین را به محیطی آلوده و بیمارگونه
تبدیل کرده است.

یکی از عواملی که در ایجاد وضعیت فعلی
موثر است، دیدگاه اقتصادی کوتاه‌بینانه‌ای
است که در جهان رواج دارد. این دیدگاه که در
مجلات و روزنامه‌های اقتصادی غرب به خوبی
می‌توان آن را مشاهده کرد، از درک ظریفیت
تحمل نظامهای اکولوژیک غافل است و تمام



روندهای اقتصادی جهان را به‌تغییراتی در تقاضا و درآمد و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و اشتغال و غیره مربوط می‌داند و مسئله محدودیتهای اکولوژیک و رشد و توسعه را در نظر نمی‌گیرد. راهنمای اقتصاد دانان، شاخصهای اقتصادی است و آنان روندهای آینده را براساس آماری که از گذشته دارند، پیش‌بینی می‌کنند بدون اینکه به محدودیتهای طبیعی موجود بر سر راه توسعه، توجه کنند. از نظر آنان رشد تکنولوژی، همه مسائل را حل خواهد کرد... (۴۸)

۱... در واقع از این دیدگاه نمی‌توان گفت که اقتصاد بشر، پیشرفت کرده است بلکه این اقتصاد به‌نوعی کسر بودجه مخفی، دچار گشته است. بشر با از بین بردن جنگلها و استفاده بیش از حد از چراگاهها و منابع آب شیرین، تولید خود را بطور مقطعی افزایش داده اما توان باروری و آینده تولید را به‌خطر انداخته است... (۲)

۲... سهمگین‌ترین گزندى که به‌تمامیت و سلامتی این سرمایه‌بیولوژیک وارد می‌شود؛ از جانب خود تکنولوژی است. تکنولوژی، ماهیت «خودمنهدم‌کننده» اش را در اثرات سوئی که بر محیط زیست می‌گذارد، بروز می‌دهد... (۴۹)

۳... هرگز تمدنی، ابزاری چنین ویرانگر که نه

تنها یک شهر بلکه یک کره را بتواند بدین وسعت به‌ویرانی کشد، خلق نکرده بود و همه اقیانوسها به‌علت حرص یا از سهل‌انگاری بشر، بدین‌صورت، مسموم نشده و همه موجودات زنده، یک شبه از بین نرفته بودند. هرگز بخاطر معادن سطح زمین اینطور وحشیانه زخم برداشته بود. هرگز در گذشته، افشانه‌های گیسو تا بدین حد، جو را از گاز اُزن، تهی نکرده بود و افزایش حرارت، آب و هوای کره زمین را تا به این حد مورد تهدید قرار نداده بود... (۵۰)

اگر نظام لیبرال - سرمایه‌داری، از سودجوییها و افزونخواهیها و «هل من منرید» گوییهایش دست بردارد و سلطه خویش را بر فرهنگها، ملتها، آداب و رسومها و هنرها حتی علم و اندیشه‌ها نیز بردارد، و انسانیت را به‌خودش و فطرتش واگذارد، انسان راه زندگی خویش را می‌یابد و از اینهمه مصرف و اسراف که علت آلودگی و تمام شدن منابع است، دوری می‌گزیند و راه میانه‌روی و اندازه‌داری و بسندگی را در پیش می‌گیرد؛ لیکن زیست اشرافی و سرمایه‌داری، و تبلیغ این نوع زندگی که باعث رونق مصرف و بازار کالاهای صنعتی است، مانع حرکت فطری و زندگی طبیعی انسانهاست.

۱... چیز دیگری را که در غرب، ناخوشایند

می‌بینیم، موضوع تبلیغ کالا و بازاریابی است. تبلیغات تجاری با استفاده از بلاهت بشری، به صورت هنری مستظرفه درآمدی است. در حالی که دو سوم جمعیت دنیای کنونی، محتاج ابتدایی‌ترین حوائج زندگی هستند، به ضرب تبلیغات، کالاهای غیر لازم را به خود مردم می‌دهند. این یکی از وجوه زشت جامعه متمدن است... (۵۱)

براستی این تعبیر «فرانسوا پیرو» اقتصاد دان فرانسوی، درباره راهکارهای سرمایه‌داری، از ژرفایی و بینشگرایی شگرفی برخوردار است:

«نظام سرمایه‌داری، می‌ساید و فاسد می‌کند. سرمایه‌داری، مصرف‌کننده عظیم عصاره زندگی است، عصاره‌ای که سرمایه‌داری، تمایلی به قوام آن ندارد...» (۵۲)

راه کارهای تباه‌کارانه «لیبرال - سرمایه‌داری» و زیست مسرفانه مال‌اندوزان در زمین، برخلاف سنت آفرینش و سلامت زمین و قانونمندیهای الهی حاکم بر آن است. قرآن، سرمایه‌داران را با خصلتهای ضد انسانی و زیست بوم‌ستیز آنان، یاد می‌کند چون: «مصرفان» و «مصرفان»، و این روشنگر آن حقیقت است که اسرافکاری و تضييع و تباهاسازی مواد و منابع، خلاف قانون الهی و

حیات سالم انسانی است. کاری که شیوه جدایی‌ناپذیر «سرمایه‌داری» است. پس این اسراف و اتراف و شادخواری است که جامعه بشری را به تباهی می‌کشد.

اتراف، فراخی و زیاد داشتن نعمت است ... و «مترفون» یعنی کسانی که نعمت و مکنث گسترده دارند و از انواع امکانات رفاهی و مصرفی بهره‌مندند پس قرآن کریم، با به کار بردن واژه «مترفون» و «مترفین» و مشتقات آن، زندگی گروه تنعم پرست خوشگذران را به همراه آثار بد اینگونه زندگی، به سختی مورد نکوهش قرار می‌دهد.

و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفها ففسقوا فيها ... (۵۳):

هرگاه بخواهیم مردم سرزمین (قومی) را نابود کنیم، توانگران شادخوار را (به عبادت و عدالت) امر می‌کنیم، پس آنان به فسق کردن او نافرمانی و کجروی می‌پردازند (و سبب نزول عذاب می‌شوند)...

قرآن کریم با بکار بردن این دو واژه، نوع زیست ویرانگر این طبقه را روشن می‌سازد و آثار زیانبار محیطی آن را گوشزد می‌کند.

آمارها زبان گویایی دارد:

به پیش‌بینی برنامه «فین اشتاین» برای گرسنگی جهانی در دانشگاه براون، اگر جمعیت جهان را عمدتاً با دانه و سبزی تغذیه کنیم، در حال حاضر، غذای کافی برای تأمین کالری موردنیاز شش میلیارد نفر که به‌توصیه سازمان، روزانه ۲۳۵۰ کالری برای هر فرد است، وجود دارد... از ۱۴۵ میلیون تن دانه‌ای که به حیوانات خورانده می‌شود، فقط ۲۱ میلیون تن گوشت، جوجه و تخم مرغ تولید می‌شود. چه اتلاف خارق‌العاده‌ای از خاک، آب، کود، حشره‌کش و انرژی!! و تمام اینها برای چه؟ افزایش حمله‌های قلبی، فربهی و سگته و ... چنین زندگی مسرفانه‌ای، دلیل عمده کاستی لایه اوزن، گرم شدن کره زمین، آلودگی هوا، آب و خاک و ... است. هر آمریکایی، بیست تا صد برابر هر یک از ساکنان جهان سوم، تولید آلودگی می‌کند و نوزادان

ثروتمند آمریکایی، هزار بار بیش از هم‌تایان خود در بنگلادش یا پاکستان موجب آلودگی می‌شوند. شهروندان کانادایی نیز از این شیوه زندگی افراطی همسایه جنوبی خود تقلید می‌کنند و اغلب شهروندان کشورهای پیشرفته نیز همین روش را دنبال می‌کنند... (۵۴)

یاد کردیم که قرآن کریم، مال اندوزان افراطی را با صفت «اسراف» یاد می‌کند و انسانها را از پیروی از شیوه عمل و تفکر آنان باز می‌دارد:

«وَلَا تُطِيعُوا الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ.» (۵۵)

دستور اسراف کنندگان را اطاعت مکنید. همانان که در زمین فساد می‌کنند و به‌اصلاح نمی‌پردازند.



جالب توجه فراز پایانی این آیه است: «ولایصلحون». و این، ضرورت ارتباط اسراف و فساد را آشکار می‌سازد. یعنی هیچ جامعه و فرد اسرافکار و مصرفگرایی نمی‌تواند به صلاح و آبادی و بهینه‌سازی و استفاده بهینه از کالاها و مواد، دست یابد بلکه ناگزیر مصرفگرایی مسرفانه، ویرانگر منابع و زیست بوم است همچنین ویرانگر اخلاقیهای انسانی است زیرا که انسانها را در تمام دوران زندگی، به لذتجویی و کاموری و شادخواری افراطی مال‌اندوزانه سوق می‌دهد و از تلاش و کوشش برای دستیابی به ارزشهای والای معنوی و انسانی باز می‌دارد. باری، این روشهای افراطی، برخلاف سنتهای الهی است.

قرآن، آدمیان را به آبادانی زمین فراخوانده است:

... هوانشأکم من الارض و استعمرکم فیها (۵۶) ...

او شمار را از زمین پدید آورد و خواست تا به آبادانی آن بپردازید...

نظام لیبرال - سرمایه‌داری، با مصرفگرایی شخصی و رواج آن در سطح اجتماعات، به ویرانی و تخریب زمین و منابع آن دست می‌زند حال آنکه قرآن کریم، زمین را مهد (گهواره) و مستقر آرامگاه

و «قرار» (مکان امن و آرامش) نامیده است:

الَّذی جعلکم الارض مهداً ... (۵۷)

کسی است که زمین را آرامگاه (گهواره و بستر) شما ساخت ...

اللّهُ الَّذی جعل لکم الارض قراراً (۵۸)

خداست که زمین را قرارگاه شما ساخت ...

... و لکم فی الارض مستقر (۵۹)

و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین است.

لیکن «سرمایه‌داری»، امنیت حیاتی انسانها را در این بستر مناسب، دچار مخاطره جدی ساخته است.

امام صادق «ع»، درباره ریشه‌ها و علل فسادهای زاده از سرمایه‌داری می‌فرماید:

«... و هذا الفساد یتولد من طول الامل و الحرص و الکبر، كما اشار الله عزّ و جَلّ فی قصة قارون فی قوله: «ولاتیغ الفساد فی الارض ان الله لایحب المفسدین» کانت هذه الحصال من صنع قارون و اعتقاده و اصلها من حبّ الدنيا و جمعها (۶۰) ...

... و این فساد از آرزوی دراز و آزمندی و تکبر نتیجه می‌شود که خدای بزرگ در داستان قارون از آن خبر داده است: «در زمین



به تباهگری می‌پردازد، که خداوند تباهگران را دوست نمی‌دارد، و این خصلتها (آرزوی دراز، آزمندی و تکبر)، همه در قارون بود و ریشه آنها دوستی دنیا و مال اندوزی برای دنیاست...

آری این آزمندی و دنیاطلبی مال اندوزان است که به زیاده‌رویها و تجاوزگریها به حریم انسانها و حریم طبیعت می‌انجامد و عصاره زندگی را می‌مکد. و در کوتاه سخن اینک:

سرمایه‌داری به مسئولیت خویش در برابر طبیعت پایبند نمی‌ماند و در برابر مواهب الهی متعهدانه رفتار نمی‌کند.

امام علی «ع»: «... اتقوا الله فی عباده و بلاده، فانکم مسؤولون حتی عن البقاع والبهائم» (۶۱)
 درباره محرومان و شهرها از خدا بپرهیزید، زیرا که شما مسئول هستید حتی درباره آبادیها و حیوانات.

این تعهدی دینی است که حتی به گونه‌های حیوانی نباید ظلم شود و آبیاها نباید تخریب گردد و منابع حیاتی نباید بیرحمانه و بدون ملاحظات انسانی، مصرف شود.

۸- آینده 'سرمایه‌داری'

جامعه انسانی، چون دیگر بخشهای هستی،

قانونمند است و از معیارها و ضوابطی پیروی می‌کند و فرازگرایی یا نشیب‌گرایی آن علل و اسبابی دارد و این چگونگی در همه اجتماعات انسانی و همه دوره‌های تاریخ وجود داشته است و صعود و سقوط ملتها و تمدنها در چارچوب اصول و قوانینی رخ داده است و هیچ پدیده‌ای در اجتماعات و امتهای، بی‌علت و بی‌جهت و از سر تصادف، پدید نگشته است.

نه پایداریها، توانمندیها، استواریها، شکوهها و تمدن‌سازی‌های بزرگ بی‌علت بوده است، و نه ضعفها، سستی‌ها، هرج و مرجها و نشیب‌گرائیها، بدون علل یا عواملی بوقوع پیوسته است.

حاکمیت ضوابط و قوانین بر جریان پیدایش ملتها و ظهور تمدنهاست که تاریخ را به صورت دانش و علم درآورده، و شناخت قوانین و اصول آن را درس آموز آیندگان ساخته است.

علل و عوامل پایداری و زوال ملتها، در درون اجتماعات و در ژرفنای روان انسانها قرار دارد و در عینیت زندگی و در ماهیت روابط اجتماعی آنان نهفته است. گرچه ملتهایی در طول تاریخ، با عوامل ویرانگر خارجی روبرو گشته‌اند؛ لیکن موقعیت عوامل خارجی و مهاجم، همواره در گروه

زمینه‌های درونی و تلاشی و انحطاط‌گرایی داخلی بوده است، و عوامل خارجی آنگاه که در درون و متن جامعه‌ها زمینه یافتند، توانستند به درون رخنه کنند و کاری از پیش ببرند و جریانها را دگرگون سازند و دفتر تمدن یا ملتی را ببندند. اکنون با نگاهی بینشگرا در تمدن صنعتی و جامعه سرمایه‌داری کنونی، روشن می‌گردد که دارد از درون می‌پوسد و رو به زوال و نیستی می‌گفارد. نظام "سرمایه‌داری"، افراد انسانی را از درون پوچ و بی‌انگاره ساخته است و هسته اصلی کیان اجتماعی را تپه کرده و از جوهر مقاومت، سخت‌کوشی، شکیبایی، باورمندی، ارزشگرایی و فداکاری، تهی ساخته است.

افزون‌طلبی و زیاده‌خواهیهای مبرزشناس نظام لیبرال - سرمایه‌داری، نخست، موضوعی انسانی است که در اندیشه و درون انسانها نفوذ می‌کند و انسانها را از باطن، به گرایشهای ماده پرستانه دچار می‌سازد. این دگروار شدن ماهیت انسانها و تحریف معیارهای انسانی در جامعه سرمایه‌داری، عامل اصلی و زیربنایی در سقوط تمدن لیبرال - سرمایه‌داری است.

شاید برخی از مکاتب اقتصادی چنان پندارند

که رشد نظامهای لیبرال - سرمایه‌داری و نیز سقوط و متلاشی شدن آنها، تنها به عوامل مادی بستگی دارد و عامل انسانی و چگونگی تفکرات آنها را در آن تأثیری نیست؛ لیکن موضوع براساس «تصور اسلامی»، مستند به‌اموری است که عقیده انسان و تصور او از جهان و تغییری که در نفوس بشری حاصل می‌شود، از جمله آنهاست. آزمندیهای نظام سرمایه‌داری و متضاد ویرانگر آن، از خواستههای "سرمایه‌داری" حاصل می‌شود، و خاستگاه این طلب و خواست، نفس شخص طالب و اخلاق انسانی اوست که با فرهنگ و تصور او از انسان و جهان هدف زندگی وابستگی دارد.

اکنون در این بخش و در فراخور بسیار محدود آن، به برخی اصول و معیارها در جامعه و تمدن کنونی اشاره می‌شود و وضعیت جامعه‌های "سرمایه‌داری" ارزیابی می‌گردد:

۱- عدل مبتیزی

نظام سرمایه‌داری، به‌اصول "عدالت"، پشت کرده و به‌ظلم و باطل روی آورده است و از همین نقطه نخستین است که اسباب زوال و نابودی خویش را دارد فراهم می‌آورد؛ زیرا اجتماعی که



«عدالت محور» نبود و بیداد و باطل، سراسر آن را انباشته و حق و حقوقها پایمال گردد، اجتماعی است از درون، متلاشی و بدون آینده‌ای روشن. اصل عدالت در تفکر اسلامی، قانون عام حاکم بر جهان و بر جامعه‌های انسانی است:

امام علی «ع»: العدل اساس به قوام العالم (۶۲)
عدالت پایه (و زیربنا) است که پایداری جهان به آن بستگی دارد.

در این کلام، از معیار عمومی و قانون عام به کار رفته در کائنات، سخن رفته است و آن، قانون «عدل» و نهادن هر چیز در جای مناسب خود است. امام علی «ع»: العدل قوام البریة (۶۳)
عدل مایه پایداری مردمان است.

در این کلام، عدالت اجتماعی، مطرح شده و «عدل» به‌عنوان محور و ضابطه تشکیل جامعه انسانی و مایه استواری زندگی مردمان یاد شده است.

روابطی، عادلانه است که جامعه را به صورت «ید واحدة» و واحدی منسجم و همگرا درمی آورد و زمینه‌های پایداری و ثبات را فراهم می‌کند. روابط ظالمانه، متلاشی کننده روابط اجتماعی و یگانگی و همگرایی است، بصورتی که همه از همه بیم

دارند و نسبت به یکدیگر کینه می‌ورزند و هرکس در اندیشه خوردن و چاییدن دیگری است. اینگونه روابط آکل و مأكولی چگونه می‌تواند امتها را منسجم و یگانه و آسیب‌ناپذیر سازد.

چنین جامعه‌ای و چنین روابطی، از نوع روابط جنگل است و بقای جنگلی، بر فرض که باشد، بقای انسانی و تمدن بشری نیست. بقای جنگلی، بر اصل زورمداری و تجاوز، استوار است و تمدن تبعیض و ستم بنیاد سرمایه‌داری بر همین زورمداری و سلطه‌طلبی‌ها استوار گشته است. این مکانیسم و سازوکار برای مدتی می‌تواند بر جامعه بشری حاکم باشد؛ لیکن پایدار و ماندگار نیست.

و تلک القرى اهلکناهم لما ظلموا و جعلنا
لمهلکهم موعداً: (۶۴)

مردمان آن آبادیها را هنگامی که ستم کردند
هلاک کردیم، و برای هلاک کردنشان موعدی
مقرر داشتیم.

۲- انحصار طلبی و تبعیض طبقاتی

انحصار طلبی و توزیع غیر عادلانه اموال، ریشه در حس زیاده‌طلبی و افزونخواهی ثروتمندان دارد که آنان را به بیدادگری، حقکشی، ظلم و استثمار سوق می‌دهد و همین یکی از عوامل اصلی نابودی

نظام سرمایه‌داری است:

امام علی «ع»: من یستأثر من الاموال
یهلک (۶۵)

هرکس در اموال، انحصار طلب باشد، هلاک گردد.

ویژه‌سازی اموال و منابع طبیعی، از عوامل
مهم تقسیم نابرابر و غیر عادلانه ثروت و پیدایش
جامعه تبعیض‌آمیز طبقاتی است. این تجربه
همیشه تاریخ است که اجتماعاتی که دچار عدم

انحصارگراییها، و ویژه‌سازیهای نظامهای
سرمایه‌داری است. بلوک‌بندیها، ریشه در همین
جریان ظالمانه دارد. تقسیم‌کشورها به پیش
رفته و عقب افتاده، در اثر همین گردش نا سالم
اموال است.

امام صادق «ع»: مثل الدنيا كمثل ماء البحر،
كلما شرب منه العطشان ازداد عطشاً، حتی
یقتله (۶۶)

مثل دنیا همچون مثل آب دریاست که هرچه

شخصی تشنه از آن بیشتر بیاشامد تشنگی او
افزونتر شود، تا سرانجام تشنگی او را هلاک کند.
نظام سرمایه‌داری، با حس زیاده‌خواهی و
اصالت دادن به ثروت مادی، به بهره‌برداری بی‌حد و
بی‌حساب، از منابع دست می‌یازد و ویژه‌سازی
اموال و منابع را شعار خود می‌سازد و این ماهیت
زندگی این دنیایی است که چون نوشیدن آب دریا،
جز افزایش تشنگی، نتیجه‌ای ندارد و سرانجام در
پرتو سرپیچی از قانون عام حاکم بر جهان که

تبادل و توازن در بهره‌مندی از مواد و کالاها شدند
و به دو طبقه اکثریت محروم و اقلیت سرمایه‌دار،
تقسیم گردید، سلامت و پایداری خویش از دست
بدادند و سرانجام به تلاشی و سقوط کشیده شدند.
نیز تجربه مکرر تاریخ است که بیشتر ناآرامیها،
اضطرابها، کشمکش‌ها و جنگلها در پرتو همین
جریان ناسالم در توزیع کالاها و منابع صورت
گرفته و پدیدگشته است.

تمام مشکلات و تنشها در جهان امروز نیز در



سلامت و سعادت را در حدّ میانه، نهاده و دوری از افراط و تفریط را رمز بقا و پایداری معرفی کرده است. «سرمایه‌داری» در جهنم سوزان فزون طلبی‌های خویش نابود می‌شود.

امام باقر «ع»: مثل الحرّیص علی الدنیا کمثل دودة اللّٰم، کلّما از دادت علی نفسها لثّماً، کان ابعدها من الخروج، حتی تموت غمّاً (۶۷)

مثل حریص نسبت به دنیا، مثل کرم ابریشم است که هرچه بیشتر برگرد خود بتند، بیرون آمدنش از پیله دشوارتر می‌شود، و سرانجام از اندوه در آن خواهد مرد.

نظام سرمایه‌داری، پیله و تارهایی است که به دست مال‌اندوزان یافته می‌شود و رشد این نظام حرکتی افتخاری است که آن را به سوی مرگ در میان رشته‌های خود بافته می‌داند و سبب نابودی آن و جایگزینی نظامی دیگر می‌گردد:

هانتم هولاء تدعون لیتنفخوا فی سبیل اللّٰه، فنکم من بیخل، و من بیخل فأنّما بیخل عن نفسه، واللّٰه الغنیّ و انتم الفقراء، و ان تستوآو ایستبدل قوماً غیرکم ثمّ لایکونو امثالکم (۶۸)

آگاه باشید این شماست که می‌خواندنتان تا در راه خدا اتفاق کنید، برخی از شما بخل

می‌ورزند؛ هرکس بخل ورزد در حق خویش (و به زیان خویش) بخل ورزیده است، خدواند بی‌نیاز است و شما باید نیازمندان، اکنون اگر روی بگردانید (و انفاق نکنید) شما را خواهد برد و به جای شما دیگران را خواهد آورد که همچون شما (بخیل) نباشند.

بخل و ترک انفاق (در اثر مال‌اندوزی و سرمایه‌داری) یکی از خویهای زشت است که در قرآن کریم، آن را سبب دوزیان بزرگ معرفی کرده است:

۱- زیان شخصی، از آن جهت که نتیجه بخل، به خود بخیل باز می‌گردد، بنابراین عمل نادرستی است برضدّ شخص بخیل.

۲- زیان اجتماعی، بدان جهت که بخل، موجب انحصارگرایی است و این، زمینه ظلم و تبعیض و عدم توزیع اموال در سطح جامعه شده و اینها موجب تغییر نظام اجتماعی و نابودی نظام موجود می‌گردند.

باری برائرت انحطاط اخلاقی (در بعد شخصی) و ویژه‌سازیه‌ها و انحصارطلبی‌های سرمایه‌داری (در بعد اجتماعی)، انسانهای گرفتار در دام آن، هم سقوطی انسانی می‌یابند و از خدا باوری و

انسانگرایی و دیگر دوستی، روی برمی تابد و به مال اندوزی روی می آورند و هم سقوطی اجتماعی؛ چون پیامد حتمی این گرایش های روحی در سرمایه داری، سقوطی اجتماعی است و به تعبیر قرآن، نتیجه آزمندی و سودپرستی، «استبدال اجتماعی» است. یعنی امت و تمدنی که تحت سلطه انگیزه های سودپرستانه سرمایه داری قرار گیرد، تعادل و توازن جامعه را برهم زده و پایداری آن را بطور جدی دچار مخاطره ساخته است.

آیه دیگری نیز این حقیقت انکارناپذیر را چنین تبیین می کند:

... و انفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة (۴۹) ...

در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیندازید.

هلاکت و نابودی، زاده از ترک انفاق و توزیع ثروت در سطح جامعه است که شیوه و روش سرمایه داری است.

پس اینکه می نگریم پیامبر بزرگوار اسلام، نگران آینده امت خویش است و از آن بیم دارد که گرایش های سرمایه داری و انگیزه های مال اندوزی در جامعه اسلامی پدید آید، و احساس های انسانی

را خاموش کند، و تعهد شناسی دینی را به دست فراموشی سپارد، و جامعه را به سوی رقابتهای ناسالم اقتصادی و حرص و آزمندی در راه افزایش سود و سرمایه، سوق دهد و انسجام و استواری جامعه را برهم زند و نظامی طبقاتی بسازد؛ از این جهت است که راه کارهای مال اندوزان، با یک جامعه متعادل و متوازن و عدالت بنیاد، سازگار نیست و بی تردید پیامبرص، نگران رشد ناسالم اموال و انگیزه های مال پرستانه است؛ نه رفاه اقتصادی و توسعه یافتگی و توزیع عادلانه امکانات و منابع، که این عامل بقا و پایداری است چنانکه در

فرازهای آغازین این نوشتار یاد کردیم. اکنون سخن والای پیامبرص را در این زمینه می آوریم:

... فوالله ما الفقر اخصی علیکم، و لکننی اخصی علیکم ان بیسط لکم الدنیا كما بیسط علی من کان قبلکم، فتنافسوها كما تنافوها، و تهلکمکم كما اهلکتهم (۷۰)

... سوگند به خدا که از فقر برای شما ترسی ندارم، لیکن از آن می ترسم که دنیا چندان بر شما گسترده شود که برای پیشینیان شما گسترده شده بود (و مانند آنان در ناز و نعمت فرو غلتید)، و همچون آنان به رقابت و همچشمی بپردازید، و چنان هلاکتان کند که آنان را هلاک کرد.



«این حدیث شریف نبوی به ما می‌فهماند که زیانهای حاصل از تکاثر در مالیکت و اسرافگرایی در مصرف، بسی بیشتر است از زیانهای ویرانگر حاصل از فقر و بینوایی، این تعلیم - چنانکه از تعالیم دیگر فهمیده می‌شود - نمی‌خواهد زیانهای فقر و ضرورت مبارزه با آن را کم انگارد، بلکه می‌خواهد فاجعه بودن تکاثر و اسراف را یاد آور شود» (۲).

این نوع گرایشهای سرمایه‌داری، خود از عوامل اصلی ایجاد فقر در جامعه نیز هست.

روشنگر مفهوم این حدیث نبوی، سخن دیگری است که از پیامبر (ص) روایت شده است:

انما تخوف علی امتی من بعدی ثلاث خلال: ... او يظهر فیهم المال حتی یطغوا ویطروا (۷۱)
بر اتمم پس از خود از سه چیز بیمناکم: ... (سوم اینکه) مال در میان ایشان چندان فزون شود (و اهمیت پیدا کنند) که طغیان ورزند و ناسپاسی کنند ...

روشن است که این مال، از آن اموال نیست که عامل قوام و استواری جامعه و سامان بخش امور مردمان و چون خون در اندام افراد است (چنانکه در آیات و احادیث دیگر آمده بود)، بلکه مقصود، مال‌اندوزی به شیوه سرمایه‌داری و با آن انگیزه‌ها و

گرایشها و راه‌کارهاست که از جمله آن طغیان، سرکشی فساد و نادیده گرفتن حق و حقوق انسانهاست.

بنابراین مسائل یاد شده، برهم‌زدن تعادل و توازن در جامعه که در سایه ظلم‌گرایی و عدالت‌ستیزی سرمایه‌داری پدید می‌آید، و ویژه‌سازی اموال و منابع و محروم کردن اکثریت مردم، از عوامل مهم ناپایداری و تزلزل در جامعه سرمایه‌داری است.

۳- «زیست بوم» ستیزی؛ آثار زیست محیطی عملکرد نظام لیبرال - سرمایه‌داری، موجب برهم زدن تعادل و توازن در طبیعت و منابع حیاتی آن است. این موضوع روشن ساخته است که ظلم سرمایه‌داری نه تنها متوجه جامعه انسانی است، بلکه گونه‌های حیاتی و نباتی و آبها و کانیه‌ها حتی هوا و لایه اوزن را نیز سالم و متعادل باقی نگذاشته است بگونه‌ای که:

«در دهه هشتاد همه شاخصهای حیاتی در حال سقوط بوده‌اند، و در مجموع قابلیت سکونت کره زمین کاهش یافته است» (۷۲).

به‌پاره‌ای دیگر از علل نابسامانیهای جامعه سرمایه‌داری در بخشهای گذشته اشاره شد. اکنون

علل سقوط سرمایه‌داری را چنین می‌توان خلاصه کرد:

۱- ظلم اجتماعی و استثمار حقوق انسانها

۲- تقسیم جامعه به دو طبقه فقیر و غنی

۳- تباہ‌سازی منابع و افراط در بهره‌برداری.

۴- آلودگی‌های زیست محیطی

۵- زیاده‌روی در کاموری و لذت پرستی

۶- سلطه‌طلبی و شیوه‌های استبدادی

۷- انحصارگرایی و ویژه‌سازی منابع و اموال

و دیگر مسائلی که به مسخ هویت انسانی و از

خود بیگانگی انسانها انجامیده است که در بخش

نخست این مقاله اندکی بررسی شد.

بنابراین هرگونه خوش بینی نسبت به آینده

نظام لیبرال - سرمایه‌داری، از ساده‌اندیشی است و

یا از نشناختن قوانین تخلف ناپذیر حاکم بر جهان

و بر جامعه انسانی.

باری این سرمایه‌داری و با این شویهایی که

دارد و با ظلم و بیدادی که هر لحظه بر آن

می‌افزاید، سرانجامی جز سرانجام همه ظالمان و

مکذبان (حق و حقیقت) در تاریخ ندارد.

... فیسر وافی الارض فانظر و اکیف کان

عاقبة المكذبین (۲۲)

پس در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار

مکذبان چگونه بوده است.

و این شکوه ظاهری و صوری، نشانگر وجود

معیارهای اصولی و ضوابط قانونمند پایداری و

ثبات نیست.

... با ترقی حیرت‌انگیز تکنولوژی تخریب و

انهدام، می‌توان تصور کرد که کشورهای

پیشرفته سرمایه‌داری سامسون‌وار - دنیا را

روی سرد دیگران و خودشان خراب کنند. در

این صورت، سرمایه‌داری نیز از میان خواهد

رفت. به‌هرحال، هرطورکه به‌موضوع نگاه

بکنیم اینده سرمایه‌داری درخشان نمی‌تواند

باشد» (۲۳)

و ... این چیزی نیست که فقط ... بلکه حرفی

است که روشن اندیشان جهان متجاوز از صد

سال است بیان می‌دارند...» (۲۵)

پس از فروپاشی نظام اقتصادی و سیاسی در

شوروی، تضادها و ناتوانی‌های سرمایه‌داری

جهانی آشکارتر شد. افزایش فقر، بیکاری -

تورم و تخریب محیط زیست نه فقط در

سرزمینهای کشورهای عقب نگهداشته شده

بلکه در درون کشورهای سرمایه‌داری

استعماری، ... توسعه بازار فروش حیات

انسانی که شامل خرید و فروش کودکان زنان،

اندامهای انسانی و همچنین مواد مخدر،

اسلحه، زباله‌های سستی و اتمی بر طبق قوانین

بازار سرمایه‌داری و همچنین زیادتر شدن

فاصله سطح زندگی مردم مستعمرات در



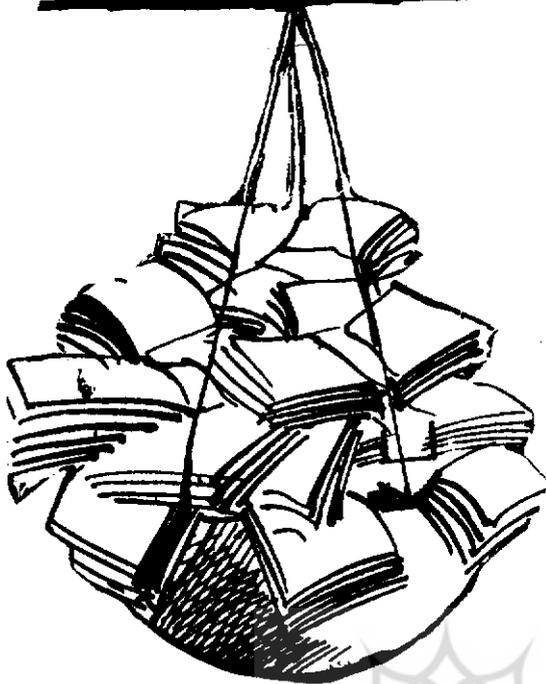
آفریقا امریکای مرکزی و جنوبی و بخش بزرگی از آسیا با بومیان کشورهای سرمایه‌داری استعماری نشان می‌دهد که سرمایه‌داری، چه در سطح محلی در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، چه در سطح جهانی، نه فقط قادر به حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم جهان در همه اقالیم عالم نیست؛ بلکه خود به علت تضادهای درونی و ساختاری موجب ایجاد و تشدید فقر و استبداد شده و می‌شود. با وجود همه تبلیغاتی که درباره ثبات سرمایه‌داری جهانی می‌شود، این نظام در سراسیمه زوال افتاده و نه تنها نمی‌تواند آینده‌ای روشن و قابل قبول به مردم کشورهای سرمایه‌داری و خلق جهان نوید دهد؛ بلکه روز بروز بیشتر ثابت می‌کند که فقط با زور، و با غارت و کشتار میلیونها انسان قادر به ادامه حیات است. (۷۶)

دوران شکوفایی و بالندگی این تمدن، که همواره و در همه نقاط جهان با برتری نظامی و ابزار جنگی و شیوه‌های جاسوسی، سلطه افکنده است؛ تاریخ یک تمدن، مهلت چند روزه خدایی بیش نیست.

ذری والمکذبین اولی التَّعْمَة و مهلهم
قلیلا (۷۷)

و (سرانجام کار) تکذیب‌کنندگان صاحب نعمت





را به من واگذار، و آنان را (در این دنیای گذران)
اندکی مهلت ده.

«... و اینک کل این تمدن با همه نهادها و
تکنولوژیها و فرهنگش در حال تلاش است، و
ما در آخرین بحرانهای برگشت ناپذیر نظام
صنعتی زندگی می‌کنیم...» (۷۸)

این بحرانهای برگشت‌ناپذیر، همین بحرانهای
انسانی، اجتماعی، زیست‌محیطی و تباهی بشریت
و ویرانی خانه و کاشانه اوست. و این سنت تغییر
ناپذیر الهی است، که خودنمایی چندگاهی باطل
و بیداد را با نیروهای عدالت و حق، سرکوب
می‌کند، و دفترچه ستم بنیاد آنان را می‌بندد، و
آنان را روانه زیاله دان تاریخ می‌سازد.

بل تقدف باحق علی الباطل قیدمغه (۷۹)...

کوبد و باطل نابود شونده است ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی نوشتها:

۱. سورة علق ۱۹۶/۷۶.
۲. علامه سيد محمد حسين فضل الله لبناني، بر ثقل الحياة ۵۵۱/۳.
۳. سورة قصص ۸۲/۲۸.
۴. سورة همزة ۱۰۴/۲ و ۳.
۵. نهج البلاغة ۷۹۹/۱.
۶. سورة سبأ ۳۴/۳۵ و ۳۴.
۷. مجمع البيان ۳۹۲/۸.
۸. سورة آل عمران ۱۸۱/۴.
۹. سورة زخرف ۳۱/۴۳.
۱۰. سورة بقره ۲۴۷/۲.
۱۱. سجاد ۲۶۴/۵۳.
۱۲. سجاد ۱۲/۹۰.
۱۳. موج سوم ۲۰۹/؛ الوين تافلر، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، ۱۳۷۰.
۱۴. کافی ۱۳۵/۲.
۱۵. الحياة ۱۴۶/۴.
۱۶. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۷۵-۷۶ ص ۹۰؛ سرمایه داری از نظر: وفرانسوا پروه.
۱۷. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۹۰/۷۵-۷۶، سرمایه داری از نظر: ۲ و ۳. مفهوم امپریالیسم اقتصادی ۴۳/؛ وفرانسوا پروه. جمیز آ. کانر.
۱۸. مفهوم امپریالیسم اقتصادی ۴۳/؛ جمیز آ. کانر.
۱۹. سورة اعراف ۱۵۷/۷.
۲۰. تحف العقول ۱۷۲، الحياة ۴۲/۲.
۲۱. نهج البلاغه ۷۵۵/۱.

۲۲. علل الشرايع ۵۵۷.
۲۳. الحياة ۵۳۶/۳.
۲۴. سورة هود ۸۵/۱۱.
۲۵. سورة اعراف ۸۵/۷.
۲۶. مجمع البيان ۴۴۷/۴.
۲۷. نهج البلاغة ۹۲۷/۱.
۲۸. توابع الاعمال ۳۳۱/۱.
۲۹. کافی ۲۸۴/۵.
۳۰. و ۲. نهج البلاغة ۱۰۱۷/۱.
۳۱. خصال ۳۳۹/۱.
۳۲. الحياة ۵۲۶/۳.
۳۳. برای توضیح بیشتر به کتاب: دامپریالیسم تبلیغی یا ... رجوع شود تا انواع شکردهای تبلیغاتی در این روزگار روشن گردد.
۳۴. اقتصاد اسلامی، شهید بهشتی / ۶۲۶۰.
۳۵. اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۹۱-۹۲ ص ۲۸.
۳۶. و ۳. سورة نساء ۲۹/۴ و ۵.
۳۷. اختصاص ۳۴۳/۱.
۳۸. اقتصادنا ۳۶۴ و ۳۶۵، ترجمه فارسی آن ۴۴۶/۱.
۳۹. الاسلام يقود الحياة ۴۹-۵۰؛ وزارة الارشاد اسلامی.
۴۰. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی ۳۵۹/۱.
۴۱. امپریالیسم تبلیغی از دکتر محمد العوینی استادیار دانشکده تبلیغات دانشگاه قاهره، ترجمه محمد سپهری ۱۳۶۹ ص ۷۷-۷۹.
۴۲. سورة یونس ۸۳/۱۰.
۴۳. مکارم الاخلاق ۵۲۶/۵۲۵.
۴۴. الحياة ۱۱۰/۴.
۴۵. سورة بقره ۱۹۱/۲.

۴۶. به کتاب: اگر این سیاره را دوست دارید، طرحی برای مداوای زمین؛ دکتر هلن کالدیکوت ترجمه منصور عاصی، و علائم حیاتی کره زمین، لستر براون و همکاران، ترجمه دکتر حمید طراوتی، ۱۳۷۴، مراجعه شود.

۴۷. سوره روم ۴۱/۳۰

۴۸. ۱ و ۲. علائم حیاتی کره زمین ۱ و ۸.

۴۹. آینده سرمایه‌داری و ... مقاله تکنولوژی و محیط زیست، پری کامز ۱۳۳

۵۰. موج سوم، الوین تافلر ۱۶۷

۵۱. آینده سرمایه‌داری و ...، مقاله: چرا تمدن غرب را نمی‌پسندم، توین بی ۱۰۸-۱۰۹

۵۲. اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۷۴-۷۵ ص ۸۹، مقاله: سرمایه‌داری از نظر فرانسوا پروه متفکر و اقتصاد دان فرانسوی

۵۳. سوره اسراء ۱۶/۱۷

۵۴. اگر این سیاره را دوست دارید ۱۳ و ۱۴

۵۵. سوره شعراء ۲۶/۱۵۲-۱۵۳

۵۶. سوره هود ۱۱/۶۱

۵۷. سوره طه ۲۰/۵۳

۵۸. سوره غافر ۴۰/۶۴

۵۹. سوره بقره ۱۲/۳۶

۶۰. سفینة البحار ۲/۳۶۱

۶۱. نهج البلاغة ۴۴/۵۴

۶۲. سجاد ۷۸/۸۳

۶۳. غرر الحکم ۱۹/۱

۶۴. سوره کهف ۱۸/۵۹

۶۵. تحف المقول ۱۵۵/۱

۶۶. کافی ۲/۱۳۶

۶۷. کافی ۲/۱۳۴

۶۸. سوره محمد(ص) ۴۷/۳۸

۶۹. سوره بقره ۲/۱۹۵

۷۰ و ۲. الحیة ۳/۴۱۴ و ۴۱۵

۷۱. خصال ۱/۱۶۴

۷۲. علائم حیاتی کره زمین ۱۰/ لستر براون و همکاران

ترجمه دکتر حمید طراوتی

۷۳. سوره نحل ۱۶/۳۶

۷۴. آینده سرمایه‌داری و ... / مقاله: پل سویزی.

۷۵. منبع سابق ۴/۵۴

۷۶. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۸۲-۸۱ ص ۲۹، دکتر

شاپور رودسانی

۷۷. سوره مزمل ۳/۱۱

۷۸. موج سوم ۱۵۹/ الوین تافلر.

۷۹. سوره انبیاء ۲۱/۱۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی